

اکبر گنجی در مصاحبه ای در باره
عالیجناب خاکستری



کدام مصلحتی توجیه گر پنهان کاری است که به سکتہ و مرگ مادر پیروز دوانی منتهی می شود. من واقعاً برایم غیر قابل تصور است که در نظام جمهوری اسلامی چنین وقایعی رخ دهد و ما به سادگی از آن بگذریم. به هر حال خدا اقلش این است که آنهایی که مطلع هستند و مسئول پرونده اند، باید به این خانواده بگویند که فرزندشان به قتل رسیده و محل دفنش کجاست.

صدمات روحی را خواهد دید. فردی که یک سال جنازه های زیادی را ببیند تا بفهمد که جنازه برادرش هست یا نه به چه حالی خواهد افتاد؟ من واقعاً این پرسش اخلاقی را مطرح می کنم، آنهایی که مطمئن هستند که پیروز دوانی به قتل رسیده و از جای دفنش هم اطلاع دارند چرا به خانواده اش حقیقت را نمی گویند؟

* در مقاله عالیجناب خاکستری در قسمتی بسیار کوتاه به قتل پیروز دوانی در اواخر شهریور ۷۷ اشاره داشتید آیا مدرکی دال بر این ادعا دارید؟

— پیروزی دوانی سوم شهریور ۷۷ مفقود شده و اواخر شهریور قطعاً به قتل رسیده است. برای من یک پرسش اخلاقی مطرح است. یک روز شوهر خواهر پیروز دوانی در روزنامه خرداد با من ملاقات کرد. ایشان می گفت مشکلی که من دارم این است که خواهر پیروز دوانی که همسر ایشان است در این مدت به خاطر اینکه نشانی از او نداریم مجبور است جنازه های بسیاری را ببیند و می گفت خانم من واقعاً از لحاظ روحی خرد شده است. هر کس خود را به جای این فرد بگذارد همان